

ویژگیهای ساختار فضای کالبدی و بافتهای مسکونی شهر اصفهان

M. Hedayat, ph.D
University of Esfahan

Urban growth and spacial structure of Isfahan and its suburb

The aim, in the first part, of this paper is to present a historical review of the structure and formation of the city of Isfahan. In order to illuminate the old structure and organization of the city, some remarks are made on the Saljugui, Safavid and Quajar periods. The second part of the article concentrates on the expansion of the city, from the begining of the 14th century (Islamic calender). Problems in the expansion of the city and its population increase during this relatively short period, are also studied. Furthermore the policies adopted in the two previous comprehensive plans are studied compared to the real expansion trends of the city. The article ends with some concluding remarks.

خلاصه

در آغاز این مقاله ساختار و چگونگی شکل‌یابی شهر اصفهان در طول تاریخ به‌خصوص از بعد از ورود اسلام تحلیل شده است. در این جهت برای روشن شدن بیشتر موقعیت بافت قدیم شهر و شیوه سازمان‌یابی در جریان زمان، اشاره‌هایی گذرا نیز به دوره‌های تاریخ از جمله سلجوقی و صفویه تا دوره قاجار شده است. سپس به‌صورت مفصل‌تر موضوع توسعه شهر

تقریباً از ابتدای قرن حاضر که دوره جدید و پرماجرایی در تاریخ تحولات این شهر محسوب می‌شود، مورد بحث قرار گرفته است. در این مقطع تاریخی کوتاه یا در حدود کمی بیشتر از ۷۰ سال، چگونگی افزایش جمعیت و وسعت‌گیری شهر مورد تحلیل قرار گرفته است. در انتها نیز سیاستهای دو طرح جامع ارگانیک و طرح منطقه‌ای اصفهان که مورد عمل سالهای گذشته بوده، با روند توسعه شهر و ناحیه به اختصار مقایسه شده است تا ضمن شناخت ناهماهنگی‌های بین طرح‌ها و مراحل رشد شهر، بتوان بیشتر به دلایل اساسی این نابرابری‌ها دست یافت.

مقدمه

ساختار فضای کالبدی هر شهر به گذشته آن و عوامل و حوادثی مربوط می‌شود که شرایط محیط را در طول زمان برای ایجاد و برقراری آن به وجود آورده است. در این جهت مروری بر ادوار تاریخی و مقایسه‌ای از تاریخ و گذشته و عوامل مختلف که از نظر هنری و فرهنگی محیط را سازمان داده و بر فضای کالبدی آن در روند گسترش و توسعه تأثیر داشته است، می‌تواند روشن‌گر چگونگی سازمان و ترکیب ساختمان شهر در شرایط کنونی باشد.

هر اندازه سابقه تاریخی و گذشته شهری غنی‌تر و حوادثی که در آن اتفاق افتاده پربارتر باشد به یقین مرور و گذشت از ادوار آن هم نیازمند تأمل و تعمق بیشتری خواهد بود. شهرهای زیادی هستند که با وجود سابقه کهن، رویدادهایی که محیط را چندان تحت تأثیر قرار داده باشند در آنها رخ نداده است. لذا مطالعه تاریخی آثار باقی مانده و گذشته چنین شهرهایی نیز گذراتر و سهل‌تر خواهد بود. با وجود این آثار شهرنشینی پراکنده و نسبتاً اندک قبل از اسلام در شهر اصفهان، بیانگر وجود تمدن گسترده شهری در دوره‌های طولانی قبل از اسلام می‌باشد.

از آغاز ورود اسلام، شهر اصفهان در زمینه‌های مختلف توجه بسیاری از پادشاهان و قدرتمندان را به خود جلب نموده و حداقل در دو دوره مهم و طولانی تاریخ هنر ایران یا سلسله‌های سلجوقیان و صفویان پایتخت و مرکز کشور بوده و این امر در ایجاد تحولات در فضای کالبدی شهری و غنی کردن آن از عناصر متنوع هنر معماری تأثیر اساسی داشته است.

در مقاله حاضر برای پیدا کردن نوعی طبقه‌بندی در شناخت ویژگیهای صرفاً ساختاری فضای کالبدی شهر، روند تاریخی به اختصار تشریح و بررسی شده است، تا از این طریق بتوان بر تقسیماتی در فضای کالبدی ویژگیهای هر بخش دست یافت.

همچنین بحث در جهت عوامل نابسامانی و ایجاد آشفتگی فضای کالبدی و روش تدریجی

رشد خودرو و واحداث بافتهای نامتجانس و نامطلوب در دهه‌های اخیر تا رسیدن به نتیجه‌گیری از روند حرکتی شهر، دنبال شده است.

مروری بر تاریخ شهر اصفهان

اصفهان از شهرهای بسیار کهن است که موقع مناسب طبیعی و جغرافیایی آن در همه دوره‌های گذشته به آن امکان داده است که مرکز فعالیت‌های اقوام آریایی باشد. در دوره اشکانیان و ساسانیان به‌عنوان شهری بزرگ و آباد در فلات مرکزی ایران مطرح بوده است. در اوایل تسلط اعراب موجب به‌وجود آمدن دو بخش مستقل جی و یهودیه شد. در عصر دیالمه و سلجوقیان به تدریج با انتخاب اصفهان به‌عنوان پایتخت رونق و آبادی آن افزایش یافت. شکوفایی این شهر در دوره حکومت ملک‌شاه و وزیر او خواجه نظام‌الملک به اوج خود رسید^۱ سپس در زمان حکومت پادشاهان صفویه و انتخاب دوباره آن به‌عنوان پایتخت به اوج شکوفایی خود رسید. در زمان قاجاریه به علت بی‌توجهی به تدریج دوران تخریب و انزوا را طی نمود. در ابتدای قرن حاضر یعنی از سال ۱۳۰۰ هـ.ش با روی کار آمدن رضاشاه مقدمات صنعتی شدن این شهر فراهم شد و به تدریج موقعیت بهتری نسبت به گذشته یافت. جدول زیر جمعیت این شهر را در ادوار گوناگون مشخص می‌کند که نشانه بی‌رونقی یا رواج ساخت و ساز و توسعه مسکن است.

جدول ۱- جمعیت شهر اصفهان در ادوار گوناگون

| دوره | سال | جمعیت | مأخذ |
|---------------------|------|---------------|---------------------|
| ابتدای حکومت مغول | ۶۰۲ | ۱۰۰۰۰۰ | معجم البلدان |
| صفویه | ۹۸۸ | ۶۰۰۰۰۰ | سفرنامه شاردن |
| آقا محمد خان قاجار | ۱۱۶۴ | ۳۰۰۰۰۰ | سفرنامه سوبوق |
| ناصرالدین شاه قاجار | ۱۱۹۵ | ۵۰۰۰۰ | الاصفهان |
| مظفرالدین شاه قاجار | ۱۲۸۰ | ۷۰۰۰۰ - ۸۰۰۰۰ | از خراسان تا بختیار |
| سلسله پهلوی | ۱۳۱۹ | ۲۴۰۵۹۸ | اداره کل آمار ایران |

مأخذ: مینا ربانی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان

جدول ۲ جمعیت شهر اصفهان در طول سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵

| | | | | |
|---------|--------|--------|--------|--------|
| ۱۳۷۵ | ۱۳۶۵ | ۱۳۵۵ | ۱۳۴۵ | ۱۳۳۵ |
| ۱۲۰۰۵۳۶ | ۹۸۶۷۵۳ | ۶۶۱۵۱۰ | ۴۲۴۰۴۵ | ۲۵۴۷۰۸ |

مأخذ: آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن

روند شکل گیری شهر اصفهان و ایجاد بخش مرکزی شهر

شهر اصفهان در دوره‌های اولیه بعد از اسلام سیمای توسعه خود را از محدوده یهودیه یا جویباره آغاز می‌کند و به تدریج دامنه خود را به اطراف می‌گستراند. با توسعه محدوده یهودیه و سازمان یافتن محلات تازه در اطراف این بخش، شهر قدیمی جی اعتبار قبلی خود را از دست می‌دهد. در زمان ملک‌شاه سلجوقی این حدود، بخش اصلی شهر را و به‌عنوان یک شهر آباد و پررونق تشکیل و مجموعه میدان، ارک و مسجد جامع ارکان اصلی شهر را با پیوند رشته زنجیر گونه بازار تشکیل می‌دهند.^۱

اصفهان در آغاز دوره صفویه مرحله جدیدی از رشد شکوفایی خود را در حوالی میدان نقش جهان و چهارباغ دنبال می‌کند و با رشته طولانی بازار پیوند محکم خود را به شهر قدیم که مرکز آن مسجد جامع بود محکم می‌کند.

ساخت و ساز مسکن در دورانهای گذشته این شهر همچون بسیاری از شهرهای اسلامی دیگر و در مراحل قوی‌تر به صورت تلفیق و ترکیبی موزون و ارگانیک و آهنگی زیبا صورت می‌گیرد. مجموعه بازار، کاروانسرا، میدان، مسجد و قصرها و کاخها همراه با باغات با صفا، این شهر را از حالت یک نواختی شهرهای دیگر اسلامی جدا می‌سازد.^۲

هرچند محله‌های قدیمی امروزه با رواج شیوه‌های جدید در ساخت و ساز مسکن و توسعه شبکه معابر بین آنها و تغییر در نحوه سکونت خانه‌ها و بناهای قدیمی، از اعتبار گذشته خود برای سکونت و زندگی افتاده‌اند و خانه‌های قدیمی واقع در خیلی از محلات با شکوه گذشته جایگاه مهاجران حاشیه نشین و کم درآمد شده است ولی هنوز در گوشه و کنار محلات قدیمی کسانی هستند که با وجود توانایی تغییر مکان و سکونت در مکان‌های جدید،

۱- هدایت، محمود: «بررسی بافتهای سنتی شهر اصفهان»، مجله هنر و معماری، شماره ۳۴ و ۳۵، تهران، ۱۳۵۵.

۲- مشهدی زاده دهقانی، ناصر: برنامه‌ریزی شهری در ایران، ص ۲۶۴-۲۸۶ و ۳۲۰-۳۵۹.

آن خانه باصفای مجلل گذشته را بر مسکن مدرن امروزی ترجیح می‌دهند و محکم و پایدار در خانه و محله آبا و اجدادی خود با همان شیوه سنتی گذشته زندگی می‌کنند و از فضای کالبدی مکان خود مواظبت می‌نمایند.

ویژگیهای بخش مرکزی شهر اصفهان

بخش مرکزی شهر اصفهان مانند تقریباً همه شهرهای اسلامی از روی طرح قبلی ساخته نشده است. در مورد نحوه شکل‌گیری و مکان یابی عناصر و بخشهای مهم شهر و رابطه آنها با یکدیگر باید گفت، همان طور که اشاره شد، عوامل متعددی از قبیل عوامل طبیعی، اجتماعی، اداری، نظامی، اقتصادی و بالاخره عوامل احساسی از نظر نیازهای فضایی و ارتباط آن با سایر فعالیتها، سیمای شهر را در طول تاریخ ساخته است.

اصفهان در ابتدا از دو شهر نزدیک به هم تشکیل می‌شده است. یکی جی که بعدها به شهرستان بدل گردید و دیگری یهودیه که شالوده اصفهان امروزی است.

تا قرن پنجم هجری نشانه‌ها و نوشته‌های تاریخی دلالت بر وجود جی دارد. در زمان آل‌بویه بناهایی در گوشه و کنار اصفهان که مرکز حکومت شده بود برپا شد و میدان بزرگی (میدان قدیم) به عنوان مرکز شهر وجود داشت. در این زمان بر حسب ضرورت به توسعه و عمران و آبادی، محله جدیدی در شمال شهر به نام طوقچی جهت سکونت بزرگان و قشرهای مرفه ایجاد می‌شد و شهر از شمال و جنوب گسترش یافت. در اواخر این دوره به دلیل آباد شدن شهر دور تا دور آن حصار کشیده شد و شهر تقریباً موقعیت خود را تثبیت کرد.^۱ در زمان ملک‌شاه که جمعیت شهر به حدود ۲۰۰ هزار نفر رسیده بود، شهر در محدوده‌ای دایره‌ای شکل به مرکزیت مسجد جامع و میدان عتیق به شعاع ۱/۵ تا ۲ کیلومتر گسترش یافته بود و مردم در این محدوده مسکن خود را بناموده بودند. کانالهای آبیاری منشعب از رودخانه که به اصطلاح محلی مادی گفته می‌شوند در امتداد جنوب غربی به سمت شمال شرقی نقش تأمین آب شهر را به غیر از چاههای آب به عهده داشتند. در این وضع شکل‌گیری مسجد جامع ارگ شهر و میدان و بازار، محور اصلی شهر را تشکیل می‌داد و محلات مسکونی در پیرامون این محور سازمان یافته بودند.

۱- چاسبی فلاحیه، وحید: پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱-۱۲۲.

از ابتدای حکومت صفویه با ساختن بخش سازمان اداری و حکومتی جدید به تدریج شهر به سمت جنوب و جنوب غربی و در پیرامون مجموعه جدید، به همان شیوه بافتهای ارگانیک شهرهای اسلامی، توسعه جدیدی را دنبال کرد و سکونتگاه قشمررفه و ممتاز شهر از محدوده طوقچی به حوالی میدان و کاخهای سلطنتی تغییر مکان یافت.

موفقیت بخش مرکزی شهر از آغاز قرن اخیر

چنانچه اشاره شد شهر اصفهان در دوره قاجار نسبت به دوره‌های قبل دچار رشدی منفی شد و این امر و بی‌توجهی حاکمان، ویرانی‌ها و خرابی‌هایی را در سطح شهر قدیم به خصوص محلات مسکونی شهر به علت تخلیه آنها از جمعیت به همراه داشت. از سال‌های حدود ۱۳۰۰ با ورود بعضی از صنایع به خصوص نساجی و ریسندگی تحولاتی تازه ایجاد شد که توانست تا حدودی جبران گذشته را بنماید. لیکن شروع جنگ دوم جهانی و پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن بر کشور، توسعه و رشد این شهر را نیز تقریباً متوقف نمود. از حدود سال ۱۳۳۵ شهر بار دیگر موقعیت خود را تا حدودی بهبود بخشید و توانست رشد جدیدی در پیرامون خود به خصوص در اطراف جنوب‌زاینده‌رود ایجاد کند. ایجاد شبکه‌های ارتباطی تازه و خیابان‌کشی عملاً در جهت تجهیز مرکز شهر برای ورود وسایط نقلیه موتوری از سال ۱۳۱۰ ایجاد شد که خیابانهای سپه، طالقانی، حافظ، شیخ بهایی، احمدآباد و... نتیجه این تغییرات تازه است.^۱ از سال ۱۳۳۵ ادامه توسعه شهر احداث معابر و خیابانهای جدید را به همراه داشت. این محورهای تازه تأسیس به تدریج زمینه ساخت و ساز مسکن به شیوه‌های اقتباس از غرب و با دیدگاه متفاوت را نسبت به سابق به وجود آورد.

بخش مرکزی شهر با مساحت تقریبی ۴۸۰ هکتار، کلیه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را در خود جای می‌داد و تمامی ادارات دولتی در آن استقرار یافته بودند. وجود بانکها، مدارس، دانشکده‌هایی نظیر پزشکی، ادبیات و علوم انسانی، علوم، دانشسراها و مراکز تفریحی مانند سینماها، و نیز هتل‌ها و کلیه مراکز فرهنگی و آموزشی همه در تمرکز و تراکم آن نقش خاصی را ایفا می‌کردند.

از سال ۱۳۴۰ به بعد رشد شهر در پیرامون، به سرعت زمینه را برای فضاهاى متراکم مسکونی

و سپس انتقال ادارات، مراکز آموزشی و فرهنگی، بانکها و غیره در نقاط توسعه یافته پیرامون به خصوص در سمت جنوب شهر فراهم کرد.

شهر در سال ۱۳۴۵ تقریباً ۴۴۱۵ هکتار را در بر می گرفت^۱ در حالی که در نقشه سال ۱۳۰۲ وسعت شهر ۱۵۱۵ هکتار بیشتر نبود.

جدول ۳ رابطه وسعت و جمعیت شهر در سالهای مختلف

| سال | وسعت (هکتار) | جمعیت (نفر) | رشد جمعیت |
|------|--------------|-------------|-----------|
| ۱۳۰۲ | ۱۵۱۵ | — | — |
| ۱۳۱۹ | — | ۲۴۰۵۹۸ | — |
| ۱۳۳۵ | ۲۳۶۳ | ۲۵۴۷۰۸ | ۰/۵۷ |
| ۱۳۴۵ | ۴۴۱۵ | ۴۲۴۰۴۵ | ۵/۲۳ |
| ۱۳۵۵ | حدود ۴۸۰۰ | ۶۶۱۵۱۰ | ۴/۵۵ |
| ۱۳۶۵ | ۵۷۸۸ | ۹۸۶۷۵۳ | ۴/۱۱ |
| ۱۳۷۵ | — | ۱۲۰۰۵۳۶ | ۴/۱۰ |

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن کل کشور - آمار طرحهای جامع شهر اصفهان

در سال ۱۳۴۵، حدود ۷۰٪ جمعیت در قسمت شمالی و ۳۰٪ در بخش جنوبی شهر ساکن بودند^۲ تراکم جمعیت در سطح شهر متفاوت بود و پرتراکم ترین محلات را محلات قدیم مانند شهرستان دردشت، درب امام، مسجد حکیم و... که پذیرای بیشتر مهاجران و تازه واردها بودند تشکیل می داد. تراکم در قسمتهای دیگر شهر که بافتی بازتر و جدیدتر داشت، بسیار کمتر بود، مثلاً تراکم متوسط جمعیت جویباره در سال مزبور حدود ۴۰۰ نفر در هکتار بوده است.^۳

از سال ۱۳۴۵ به تدریج عوامل مختلف، زمینه های صنعتی شدن شهر اصفهان را فراهم نمود و صنایع مختلف کوچک و بزرگ در اطراف و در منطقه اصفهان موقعیت شهر را قوت بخشید و در این رابطه با گرایش گروههای مختلف برای سکونت در این شهر جمعیت شهر رو به

۱- جغرافیای اصفهان، ص ۳۵۲

۲- جغرافیای اصفهان، ص ۳۵۴

۳- طرح جامع اول گزارش توجیهی درباره شهر اصفهان

از دیاد نهاد. به طوری که جمعیت شهر در سال ۱۳۵۵ به حدود ۶۶۰ هزار نفر رسید.

طرح جامع و چگونگی کاربری مسکونی در محدوده مرکزی و سطح شهر

بر اساس برآورد در محدوده مرکزی شهر اصفهان، در سال ۱۳۴۵، از سطح ۴۴۱۵ هکتار، ۱۱۹۱/۷ هکتار دارای کاربری مسکونی بوده است که معادل ۳۷/۴۵ درصد کل مساحت را شامل می‌شود. سرانه بر اساس جمعیت معادل ۳۹/۴۶ متر مربع برای هر نفر بوده است. در سال ۱۳۶۳ (آغاز مطالعه طرح تجدید نظر طرح جامع) ۲۷۱۰ هکتار دارای کاربری مسکونی بوده است که معادل ۴۳/۱۹٪ کل مساحت بخش مرکزی را شامل می‌شده است و سرانه ۳۸/۵۴ متر مربع برای هر نفر رسیده است. این امر نشانه کاهش بسیار جزئی سرانه می‌باشد. بر اساس نتایج آمارگیری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵ در شهر اصفهان ۱۸۲۷۳۲ واحد مسکونی بوده است که در مقایسه با سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب ۵۵۱۰۵ و ۱۳۸۸۴۴ واحد رقم بالاتری را نشان می‌دهد. در فاصله ده سال ۵۵-۱۳۴۵، ۸۳۶۳۹ واحد و در فاصله ۶۵-۱۳۵۵، ۴۳۸۸۸ واحد مسکونی جدید در شهر ایجاد شده که در مقایسه با افزایش ۴/۲ درصدی جمعیت شهر رقم اندکی است.

عدم انطباق طرح جامع با توسعه شهر اصفهان و مطالعات فرسنگی

توسعه اصفهان در طرح جامع سال ۱۳۵۰ بر اساس نظری به صورت توسعه خطی پیشنهاد و تأکید شده است. این توسعه بایستی در امتداد یک یا چند محور موازی با یکدیگر شکل می‌گرفت. وجود محورهای ارتباطی سریع و استقرار تأسیسات شهری در امتداد این محورها و به ویژه در مراکز محله‌ای، ناحیه‌ای و منطقه‌ای از اساس پیشنهادهای طرح جامع (ارگانیک) می‌باشد. توسعه در طرح جامع شمال غرب و شمال را انتخاب کرده، در حالی که در این جهت هیچ محور ارتباطی قوی وجود نداشته و زمینه‌های ایجاد چنین محوری تقریباً پیشنهاد نشده است. از طرفی در زمان ارائه طرح محورهای قوی شمالی و جنوبی مانند جاده تهران اصفهان و اصفهان شیراز وجود داشته است. بنابراین چنانچه دیدگاه بررسی طرح مزبور عمیق تر صورت می‌گرفت حداقل به تبعیت از الگوی توسعه سنتی شهر امتداد محورهای شمالی و جنوبی را

پیشنهاد می‌نمود و در این راه موفقیت بیشتری احتمالاً کسب می‌کرد.^۱

در طی اجرای طرح کاربری مسکونی، ۴۷/۶٪ بیش از مقدار پیشنهادی طرح جامع بود. در حالی که رشد جمعیت شهر تقریباً نزدیک به پیش بینی جمعیت در طرح جامع بوده است. توسعه شهر از الگوی پیشنهادی طرح جامع پیروی نکرده است و رشد شهر به حالت خودجوش روند خودرویی را دنبال کرده است.

الگوی تدریجی توسعه پیشنهادی طرح جامع با موقعیت مالکیت در ایران سازش مناسبی نمی‌تواند داشته باشد. چرا که زمینهای شهری معمولاً از طریق تبدیل زمینهای مزروعی تحت مالکیت خصوصی تأمین می‌شود و در این رابطه کنترل طرح و برنامه از اختیار سیستم اجرایی خارج است. این از قوی‌ترین عوامل توسعه پراکنده و ناموزون در اطراف و در هر سوی شهر می‌باشد که امروزه دامنگیر شهرهای ایران و از جمله اصفهان شده است. جمعیت شهر اصفهان در طی پنج دوره سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، از ۲۵۵۰۰۰ به ۱۲۰۰۵۳۶ نفر رسیده است که میزان رشد به ترتیب ۵/۲٪ - ۴/۵٪ - ۴/۲٪ و ۴/۱٪ و متوسط رشد آن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، ۴/۶٪ بوده است. همان‌طور که مطرح شد رشد شتابان این شهر از حدود سال ۱۳۴۰ آغاز شد. در خلال این رشد بی‌ضابطه ضمن آن که بسیاری از زمینهای کشاورزی و باغها به زیر ساخت و سازهای شهری رفت، به تدریج مشکلات زیادی از جمله ترافیک سنگین را به وجود آورد. طرح جامع ۱۳۵۰ معتقد بر گسترش شهر در محدوده و به صورت پیوسته بود و ایجاد شهرکهای اقماری و خوابگاهی را نفی می‌نمود. ولی بر خلاف الگوی پیشنهادی همزمان با اجرای طرح با یک برنامه ریزی و طراحی مقدماتی شهرکهای جدید مانند شاهین شهر، ملک شهر، خانه اصفهان، در پیرامون سازمان یافتند و شهرکهای شهرهای پیرامون مانند خوراسگان، خمینی شهر، رهنان، و دستگرد خیار، زمینه رشدی شتابان یافتند و به شهر اصفهان متصل شدند. به طوری که عملاً امروزه جزو شهر اصفهان محسوب می‌گردند.

با پیدایش چنین شرایطی عملاً عدم کارایی مؤثر طرح جامع پس از گذشت حدود ده سال از اجرای آن به ثبوت رسید و از حدود ۱۳۶۳ برنامه بررسی طرح و بازنگری آن آغاز شد. این طرح مشکلات ادامه توسعه شهر را در قالب توسعه پیوسته و به گونه‌ای که طرح جامع پیشنهاد کرده بود اعلام نمود و بر این پایه به تدریج تا سال ۱۳۶۷ پیشنهاد طرحی در قالب اتکا به توسعه

۱- هدایت، محمود: «گسترش شهر اصفهان»، سمینار بین المللی جغرافیا.

منطقه‌ای ارائه کرد.

طرح تجدید نظر طرح جامع یا طرح جامع منطقه‌ای اصفهان

اساس اندیشه اولیه طراحی طرحی با عنوان طرح جامع منطقه‌ای اصفهان، بیشتر بر دو محور متکی است.

۱- توسعه شتابزده و پراکنده و بی برنامه در همه جهات و زیر ساخت بردن زمینهای پیرامون شهر در جهت گسترش شهر و به خصوص مسکن و ناتوانی ضوابط شهرسازی و اصول صحیح کاربری اراضی از طرف شهرداری

۲- گرایش جمعیت به استقرار در یک نقطه شهری مانند اصفهان و عدم توسعه منطقه و توزیع جمعیت به صورت متعادل و منطقی

طرح جامع منطقه‌ای اصفهان، بر این اصول توسعه را در قالب دو قطب شهری - صنعتی، اصفهان و فولادپایه‌ریزی نموده است. بار گسترش و جذب جمعیت به تناسب بر روی این دو قطب به نسبت تقریباً مساوی پیشنهاد شده است.

برای شهر اصفهان در سال ۱۳۸۸ که سال حد طرح می‌باشد حداکثر جمعیتی معادل ۱۱۰۰۰۰۰ نفر در نظر گرفته و تأکید بر قرار گرفتن جمعیت در شهرهای اقماری قطب از شاهین شهر تا بهارستان را دارد.^۱ در حالی که آمار سال ۱۳۷۰ جمعیت شهر اصفهان را بدون منظور کردن جمعیت شهرکهای متصل به آن ۱۱۲۷۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۵۳۶ نفر سرشماری نموده است. روند رشد شهرهای اقماری پیش‌بینی شده نسبت به پیش‌بینی و معیارهای تعیین شده بسیار کند به نظر می‌رسد.

این امر نشانگر آن است که علی‌رغم تکیه طرح بر موضوع توقف توسعه شهر در پیرامون، شهر به صورت شتابزده‌ای به توسعه پیوسته خود در تقریباً همه جهات ادامه می‌دهد.

از طرفی روند رشد جمعیت در شهر اصفهان دلالت بر ساخت و ساز مسکن به صورت رابطه برابر ندارد و قراین دلایل بر افزایش تراکم جمعیت در نقاط ساخته شده و بافتهای قدیم می‌باشد و از این‌بابت خطری جدی بافتهای سنتی را در جهت نابسامانی فضای کالبدی آنها تهدید می‌کند. گزارشهای آماری از نظر مساحت مسکن، بیشتر به صورت استانی در

۱- « طرح تجدید نظر در طرح جامع اصفهان»، خلاصه گزارش توجیهی طرح

اختیار است که خود گویای وجود فاصله بین ساخت مسکن و رشد جمعیت است. با وجود این آمار ساخت مسکن و رابطه آن با افزایش جمعیت در استان یا شهر اصفهان که با رشدی بسیار شتابزده همراه است نمی‌تواند چندان قیاس مطلوبی باشد. چنانچه بر اساس آمار منتشره سال ۷۵-۱۳۶۵، ۴۲٪ از کل واحدهای مسکونی ساخته شده استان، در شهرستان اصفهان بوده است.^۱ طی سالهای ۷۵-۱۳۷۰ نسبت به سالهای ۶۹-۱۳۶۵ احداث واحدهای مسکونی ۲/۷٪ کاهش یافته بود که این امر ناشی از تورم بالای مصالح ساختمانی و قیمت زمین بوده است.

نتیجه گیری و تحلیل نهایی

از آنچه گذشت چنین می‌توان برداشت نمود که شهر اصفهان مانند هر شهر پر توسعه دیگری ایران انسجام و هماهنگی خاصی در بخش تاریخی خود داشته لیکن تحولات اخیر سالهای بعد از ۱۳۵۰ که همگام با رشد شهر به صورت شتابزده در پیرامون است بر بخش تاریخی و قدیم شهر نیز تأثیر منفی. در برنامه‌های سامان‌دهی داشته است. به طوری که مثلاً شهرداری دانسته یا ندانسته مبنای بازسازی خانه‌های بخش تاریخی شهر را بر الگوی عقب‌نشینی و به صورت بناهای کاملاً مغایر از نظر نوع مصالح و سبک معماری بابافت سنتی دنبال کرده و در این زمینه تا سالهای اخیر هیچ برنامه طراحی شده و هماهنگی برای این بخش شهر نداشته است (تا حدودی در بخشهایی از شهر مانند محله جماله طراحی محورها بر اصول سنت انجام شده است ولی این امر در تمام شهر اعمال نشده و برای همان بافتها نیز از قدرت اجرایی کافی برخوردار نمی‌باشد) با ادامه این روند همان‌طور که قبلاً اشاره شد خطری جدی و عمومی ساخت و ترکیب کلی بافتهای سنتی را تهدید می‌کند.

به‌علاوه برای توسعه پیرامون شهر نیز چه در دوره کوتاه اجرای طرح جامع ارگانیک (از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۳) و چه طرح جامع تجدید نظر بین طرحها و نحوه پیش‌برد توسعه شهر هماهنگی لازم تقریباً وجود نداشته است، به طوری که بر خلاف نظریات هر دو طرح، شهر روندی از توسعه در همه جهات و پیرامون شهر دارد و هیچ یک از معیارهای پایه‌ای را در این زمینه نپذیرفته است. نمونه این مورد را می‌توان در توسعه شهر به صورت پیوسته و نامتجانس

در بخش شمال و شمال شرق شهر اصفهان بیشتر مشاهده کرد.^۱

منابع مورد استفاده و مراجعه

- ۱- میر سید علی جناب: *الاصفهان*، به اهتمام عباس نصر، چاپ دوم، نشر گنبا، ۱۳۷۱.
- ۲- هنرفر، لطف اله: *گنجینه‌های آثار تاریخی اصفهان*، اصفهان، کتابفروشی ثقی، ۱۳۵۰.
- ۳- کیانی، محمادیوسف: *شهرهای ایران*، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- ۴- شهیدزاده دهاقانی، ناصر: *تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران*، چاپ اول.
- ۵- دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۳.
- ۶- مسکن و شهرسازی، *طرح جامع و تفصیلی شهر اصفهان*، ۱۳۷۴.
- ۷- شفیق، سیروس: *جغرافیای اصفهان*، دانشگاه اصفهان، شهریور ماه ۱۳۵۳.
- ۸- طرح جامع شهر و منطقه اصفهان، وضعیت فعلی و پیشنهادات تکمیلی، قوانین و مقررات موجود شهر، مهندسین مشاور ارگانیک.
- ۹- طرح جامع اول اصفهان (ارگانیک) بررسی اقتصادی - اجتماعی طرح، جلد یکم، ۱۳۵۰.
- ۱۰- طرح جامع اول اصفهان، گزارش توجیهی درباره شهر اصفهان، مهندسین مشاور ارگانیک - ۱۳۵۰.
- ۱۱- طرح جامع اول اصفهان، گزارش نحوه استفاده از اراضی، مهندسین مشاور ارگانیک، ۱۳۵۰.
- ۱۲- طرح جامع اول اصفهان، بررسی تأسیسات شهری، برنامه‌ریزی پنج ساله اول، مهندسین مشاور ارگانیک، ۱۳۵۰.
- ۱۳- هدایت، محمود، «گسترش شهر اصفهان»، سمینار بین المللی جغرافیا، مشهد مقدس، اردیبهشت ۱۳۶۴.
- ۱۴- طرح تجدید نظر در طرح جامع اصفهان، خلاصه گزارش توجیهی، پانزدهم ۱۳۷۶.
- ۱۵- چاسپی فلاحید، وحید: «بررسی طرحهای جامع...» پایان‌نامه کارشناسی ارشد (استاد راهنما، نگارنده)، ۱۳۷۵.
- ۱۶- جمال، محمدی: «تحلیل فضایی (مکانیابی) مراکز خدمات شهری»، پایان‌نامه درجه دکتری، (استاد مشاور نگارنده) ۱۳۷۸.
- ۱۷- هدایت، محمود: «عوامل تغییر ساختار در جهت بی‌هویتی روستاها و شهرهای کشور...»، سمینار وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳، صفحه ۷۰۷ تا ۷۲۵ - ۷۰-۷۰-۴۵۴.
- ۱۸- سازمان برنامه و بودجه: سرشماری جمعیت، نتایج عمومی استان اصفهان، ۱۳۷۵.
- ۱۹- هدایت، محمود: «تحلیل مقایسه‌ای از ویژگیهای شهری اسلامی...» مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره هشتم، ۱۳۷۵.
- ۲۰- هدایت، محمود: *گسترش شهر اصفهان بصورت توسعه پیوسته با شهرهای جدید؟*، مجموعه مقالات توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهر سازی، جلد دوم، ۱۳۷۴، ص ۶۱۹-۶۰۷.
- ۲۱- معتمدی، مسعود: *شرکت عمران شهرهای جدید*، مجموعه مقالات، ص ۲۵-۱۳.